



دانشگاه و

مسائل فرهنگی (۱)



پژوهشگاه تحقیقات راهبردی

# بررسی و مطالعه تطبیقی توسعه فرهنگی در کشورهای ایران و مالزی

دکتر رضا اسماعیلی\*

دکتر آذر قلی‌زاده\*\*

ناهد صباحی\*\*\*

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.

\*\*\* کارشناس ارشد رشته مدیریت امور فرهنگی.



## چکیده

هدف این مقاله، بررسی و مقایسه شاخص‌های توسعه فرهنگی بین دو کشور ایران و مالزی است. این تحقیق از نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی و روش تحقیق مورد استفاده، روش اسنادی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه اسناد، گزارش‌ها و مدارک موجود در زمینه وضعیت توسعه فرهنگی دو کشور ایران و مالزی تشکیل داده‌اند. در این تحقیق، شاخص‌های توسعه فرهنگی در ۱۰ حوزه و ۳۰ شاخص تعیین و بررسی شدند. نتایج بررسی و مقایسه ۳۰ شاخص میان ایران و مالزی نشان داد که از بین ۳۰ شاخص، کشور مالزی در ۲۴ شاخص نسبت به ایران برتری دارد و در مورد ۶ شاخص، ایران وضعیت بهتری نسبت به مالزی دارد. این ۶ شاخص عبارت بودند از: سرانه حضور سالیانه در سینما (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، سرانه فیلم‌های بلند تولیدشده (به ازای هر یک میلیون نفر)، نسبت معلم به دانش‌آموز در مقطع راهنمایی (نفر)، نرخ ثبت‌نام در مدارس راهنمایی (مرد)، نرخ امید به ادامه تحصیل از ابتدایی به راهنمایی و نرخ امید به ادامه تحصیل از ابتدایی به متوسطه.

## واژگان کلیدی

توسعه، فرهنگ، توسعه فرهنگی و شاخص توسعه فرهنگی.

## مقدمه

ادبیات توسعه در دوران مختلف، اندیشه‌ها و تجارب متفاوتی را طی کرده است. مرور بر این ادبیات نشان می‌دهد که معنای توسعه در ابتدای طرح آن، معنایی اقتصادی داشت. در این دوران، توسعه معادل با رشد اقتصادی بود و اعتقاد بر این بود که هرچه میزان رشد اقتصادی یک کشور بیشتر باشد، آن کشور توسعه‌یافته‌تر است. همچنین رشد اقتصادی به معنای افزایش در تولید ناخالص ملی بود. اما واقعیات توسعه در کشورهای مختلف جهان نشان داد که نباید توسعه را در معنای خاص اقتصادی آن جستجو کرد. توسعه امری چندبعدی و فراتر از حیطه اقتصاد است (یونسکو، ۱۳۷۴).

گذار توسعه از این اندیشه‌ها و تجارب، در نهایت به اندیشه‌های توسعه اجتماعی و در ادامه توسعه فرهنگی رسید. توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ میلادی به معنی مبارزه با فقر مطرح شد که مسئولیت اصلی مبارزه با فقر به عهده دولت‌های ملی و نظارت آن برعهده اجتماع بین‌المللی گذاشته شده بود. توسعه اجتماعی به‌عنوان فرایندی تعریف شده است که طی آن قابلیت‌های بافت اجتماعی جهت مشارکت آگاهانه شهروندان با هدف افزایش کیفیت زندگی و برابری اجتماعی آنان ارتقا یافته و در آن ساختارهای لازم برای تحقق تدارک دیده می‌شود. توسعه اجتماعی از سه عنصر کلیدی رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی و عدالت اجتماعی تشکیل

شده است (اسماعیلی، ۱۳۸۵).

توسعه فرهنگی به خاطر اهمیت فرهنگ در توسعه، در دهه‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای در ادبیات توسعه یافته است. طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، مفاهیمی جدید از فرهنگ و توسعه مطرح شد که در آنها بر این امر اجماع بود که توجه به فرهنگ باید به‌عنوان نقطه شروع تغییر در جامعه تلقی شود (شیخ سفلی، ۱۳۸۷). در همین راستا، تحولی در توسعه و ادبیات آن ایجاد شده است، به‌طوری که سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو) دهه پایانی سده ۲۰ میلادی یعنی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸ را به‌عنوان «دهه جهانی توسعه فرهنگی» معرفی کرد و ۲۱ ماه مه میلادی نیز به‌عنوان روز جهانی توسعه فرهنگی اعلام شده است. یونسکو، توسعه فرهنگی را به‌عنوان فرایند توسعه یا پیشرفت در زندگی فرهنگی جامعه با هدف ارتقای ارزش‌های فرهنگی و متناسب با وضعیت عمومی توسعه اقتصادی و اجتماعی تعریف و شاخص‌هایی مانند میراث فرهنگی، مطالب و ادبیات چاپ‌شده، موسیقی، هنرهای نمایشی مانند تئاتر و اپرا، هنرهای تجسمی، سینما و عکاسی، پخش (رادیو و تلویزیون)، فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی، ورزش‌ها و بازی‌ها، و طبیعت و محیط زیست را برای آن مشخص کرده است (یونسکو، ۱۳۷۷).

همراه با چنین تحولی، کشورهای مختلف تغییراتی را در حوزه‌های مختلف فرهنگ اعمال کردند تا بتوانند با زمینه‌سازی و پیشرفت فرهنگ، به توسعه دست یابند. طبیعی است که تمام کشورها به‌طور یکسان به این پیشرفت و به عبارتی توسعه فرهنگی دست نمی‌یابند، بلکه برخی کشورها بیش از بقیه به این پیشرفت دست نمی‌یابند، از جمله کشورهایی که توانست بر پایه پیشرفت و توسعه فرهنگ، مسیر توسعه را به خوبی پشت بگذارد، کشور مالزی است. تجربه موفق دو دهه ۸۰-۱۹۷۰ مالزی، مدیریت اقتصادی این کشور را بر آن داشت تا در دهه ۱۹۹۰ به طرح برنامه توسعه اقتصادی



سی ساله‌ای همت گمارد تا در لوای آن تا سال ۲۰۲۰ مالزی تبدیل به کشوری کاملاً صنعتی و پیشرفته شود. کشوری با جمعیتی محدود از دوران تاریک استعمار به پا خاست و به وضعیت اقتصادی منحصربه‌فردی دست یافت، به نحوی که ناظران، آن را معجزه نامیدند. صاحب‌نظران بر این باورند که فرهنگ مالزی نقش مؤثری در توسعه این کشور در دهه‌های اخیر داشته و توانسته نقش موتور محرکه توسعه این کشور را ایفا کند. به‌عنوان مثال، از کل جمعیت ایران، ۷/۵۰۰/۰۰۰ نفر (۱۰/۸ درصد) به اینترنت دسترسی دارند و این رقم در کشور مالزی برابر با ۱۰/۰۴۰/۰۰۰ (۳۷/۹ درصد) نفر است. یعنی نرخ جمعیت تحت پوشش اینترنت در مالزی بیش از سه برابر ایران است (آمار جهانی اینترنت، ۲۰۰۵).

بنابراین، این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سؤالات است: دو کشور ایران و مالزی از چه وضعیت فرهنگی برخوردارند؟ و بررسی شاخص‌های مختلف توسعه فرهنگی این کشورها و همچنین مقایسه وضعیت این شاخص‌ها با همدیگر، نشان از چه واقعیاتی دارند؟

## ۱. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی و روش تحقیق مورد استفاده در آن، روش اسنادی است. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات اسنادی است و جامعه آماری آن را، دو کشور ایران و مالزی تشکیل می‌دهند. جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق، به سازمان‌های فرهنگی ایران و جستجو در سایت سازمان‌های مختلف کشور مالزی جهت جمع‌آوری اسناد و مدارک مرتبط با توسعه فرهنگی مراجعه شده است. بنابراین، ابزار گردآوری در این تحقیق، چک‌لیستی از شاخص‌های توسعه فرهنگی، فیش و

جدول‌های طراحی شده بوده است. تعداد شاخص‌های شناسایی شده در این چک‌لیست، ۳۰ شاخص در ۱۰ دسته اصلی بوده‌اند. در این تحقیق، اعتبار ابزار اندازه‌گیری از طریق روش اعتبار محتوا (اعتبار صوری) انجام گرفته است. بدین معنی که در این روش، شاخص‌های توسعه فرهنگی، با متخصصان و صاحب‌نظران در میان گذاشته شده و سپس پس از بازخورد و اعمال نظرات آنان و جرح و اصلاح این شاخص‌ها، مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

## ۲. تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرها

۱. فرهنگ: عبارت است از: مجموعه‌ای کلی از مشخصه‌های ممیزه روحی، مادی، فکری و عاطفی که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها شامل هنرها و ادبیات، بلکه شامل اشکال زندگی، حقوق اساسی موجودات انسانی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها نیز می‌شود (Schalkwyk, 2000).

۲. توسعه: دادلی سیرز در رویکرد چندگانه خود نسبت به مفهوم توسعه، تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه را مد نظر دارد. به زعم وی، توسعه جریانی چندبعدی است که تجدید سازمان و جهت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی و اجتماعی را دربردارد. توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربرمی‌گیرد (ازکیا، ۱۳۷۷). در این تحقیق نیز، مفهوم مورد نظر از توسعه، مفهومی می‌باشد که دادلی سیرز به صورت فوق اشاره کرده است.

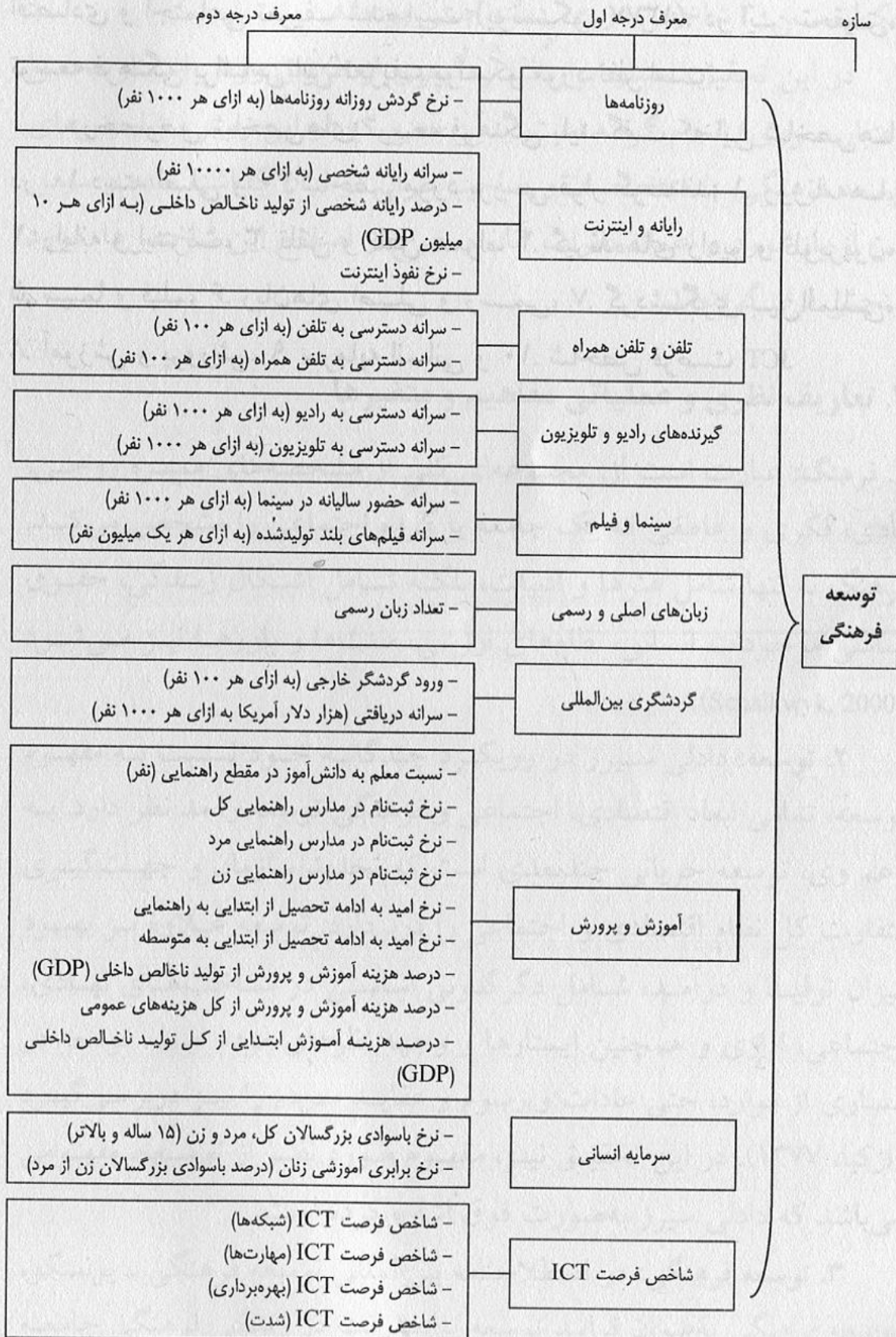
۳. توسعه فرهنگی: در اصطلاحنامه بین‌المللی توسعه فرهنگی - یونسکو، توسعه فرهنگی به عنوان فرایند توسعه یا پیشرفت در زندگی فرهنگی جامعه

با هدف ارتقای ارزش‌های فرهنگی و متناسب با وضعیت عمومی توسعه اقتصادی و اجتماعی تعریف شده است (یونسکو، ۱۳۷۷). در این تحقیق، توسعه فرهنگی براساس این تعریف یونسکو مورد نظر است.

درخصوص شاخص‌های توسعه فرهنگی باید گفت که این شاخص‌ها در ۱۰ دسته اصلی و ۳۰ شاخص مورد بررسی قرار گرفته‌اند: ۱. روزنامه‌ها، ۲. رایانه و اینترنت، ۳. تلفن و تلفن همراه، ۴. گیرنده‌های رادیو و تلویزیون، ۵. سینما و فیلم، ۶. زبان‌های اصلی و رسمی، ۷. گردشگری بین‌المللی، ۸. آموزش و پرورش، ۹. سرمایه انسانی و ۱۰. شاخص فرصت ICT.



شکل ۱. چهارچوب عملیاتی کردن مفاهیم و متغیرهای تحقیق



۴. **فعالیت فرهنگی:** فعالیتی است که حول تولید، به‌کارگیری، انتقال، استفاده و مصرف معانی و نمادها و شکل‌دادن، تغییر و ارتقای حیات روحی و معنوی افراد شکل می‌گیرد. این فعالیت در اشکال ناب و خلاق آن، به آفرینش و خلق فرهنگی منجر می‌شود (رجب‌زاده، ۱۳۸۱). در این تحقیق، فعالیت فرهنگی بر اساس مصرف کالاهای فرهنگی شامل روزنامه، رایانه و اینترنت، گیرنده‌های تلویزیون، رادیو و تلویزیون و سینما مورد سنجش قرار گرفته است.

### ۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از بررسی تطبیقی وضعیت ۱۰ حوزه و ۳۰ شاخص توسعه فرهنگی بین ایران و مالزی نشان داد که با استفاده از نتایج این جدول می‌توان وضعیت تمامی شاخص‌ها را به‌صورت یکجا بین ایران و مالزی مقایسه کرد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، در اکثریت قریب به اتفاق شاخص‌ها، کشور مالزی وضعیت بهتری نسبت به ایران دارد. در زیر به تفکیک به شرح مهم‌ترین نتایج جدول پرداخته می‌شود:

۱. نرخ گردش روزنامه‌ها در ایران برابر با ۴/۷ نفر و در مالزی برابر با ۱۱۰/۶ نفر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت است.

۲. از نظر سرانه رایانه شخصی، به ازای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت ایران، ۱۰۸ نفر رایانه دارند و از جمعیت مالزی نیز، این نسبت برابر با ۲۰۴۶ نفر است. از کل جمعیت ایران، ۱۸/۰۰۰/۰۰۰ نفر به اینترنت دسترسی دارند و این رقم در کشور مالزی برابر با ۱۴/۹۰۴/۰۰۰ نفر است. البته طبیعی است که این رقم به خودی خود معنی‌دار نیست، اما وقتی نسبت این تعداد را برحسب جمعیت به‌دست می‌آوریم (یعنی نرخ نفوذ)، ملاحظه می‌کنیم که در ایران، تنها یک چهارم (۲۵/۳ درصد) جمعیت به اینترنت دسترسی دارند. این درحالی است که در کشور مالزی، بیش از نیمی از جمعیت (۵۹ درصد) از



۱۲/۴ هزار دلار و در ایران تنها ۴/۵ هزار دلار به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت است.

۹. نسبت معلم به دانش‌آموز در مقطع راهنمایی در ایران ۱۹ نفر و در مالزی ۱۷ نفر است. از نظر نرخ ثبت‌نام در مدارس راهنمایی، این نرخ در ایران برابر با ۸۱ درصد و در مالزی برابر با ۸۳ درصد است. در مورد نرخ ادامه تحصیل از ابتدایی به راهنمایی، این نرخ برای ایران ۱۱/۱ درصد و برای مالزی ۱۰/۸ درصد است. از نظر نرخ امید به ادامه تحصیل از ابتدایی به متوسطه، باز شاهد برتری نسبی ایران نسبت به مالزی هستیم. این نسبت برای ایران ۱۲/۸ درصد و برای مالزی ۱۲/۷ درصد است. از نظر هزینه عمومی در زمینه آموزش و پرورش، کشور مالزی وضعیت بهتری نسبت به ایران دارد. براساس نتایج جدول، ۴/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران به امر آموزش و پرورش اختصاص دارد، درحالی که این نسبت برای مالزی برابر با ۶/۲ درصد است. در مورد درصد هزینه آموزش و پرورش از کل هزینه عمومی دولت نیز شاهد برتری کشور مالزی نسبت به ایران هستیم. این نسبت برای ایران ۲۲/۸ درصد و برای مالزی ۲۵/۲ درصد است.

۱۰. نرخ باسوادی بزرگسالان در ایران، هم در کل و هم در بین زنان و مردان، در مقایسه با مالزی پایین‌تر است. براساس نتایج جدول، نرخ باسوادی بزرگسالان در ایران برابر با ۸۴ درصد و در مالزی ۹۲ درصد است. همچنین، این نرخ در ایران برای مردان ۸۹/۵ درصد و برای زنان ۷۸/۴ درصد است. در مالزی، نرخ باسوادی بزرگسالان در بین مردان ۹۲ درصد و در بین زنان ۸۵/۴ درصد است. شاخص مهم دیگری که در رابطه با وضعیت سرمایه انسانی می‌توان ملاحظه کرد، نرخ برابری آموزشی است. درخصوص این شاخص باید گفت که هرچه مقدار این شاخص در کشوری به عدد (۱) نزدیک‌تر باشد، نرخ برابری آموزشی در آن کشور بالاتر است. در رابطه با این شاخص نیز ملاحظه می‌شود که نرخ برابری آموزشی در مالزی بیشتر از

ایران است. نتایج جدول گویای آن است که در سال ۲۰۰۶، نرخ برابری آموزشی در ایران ۸۷/۶ درصد و در مالزی ۹۲/۸ درصد است.

۱۱. کشور مالزی از نظر تمامی شاخص‌های فرصت ICT، در رتبه بالاتر از ایران قرار دارد. به‌عنوان مثال، در مورد شاخص شبکه‌ها، در سال ۲۰۰۵، مقدار نرخ آن برای ایران ۷۷ و برای مالزی ۱۳۳ است. در مورد شاخص مهارت‌ها نیز، نسبت ۹۸ برای ایران و ۱۰۵ برای مالزی مشاهده می‌شود. ترکیب نهایی این چهار شاخص نیز نشان می‌دهد که رتبه مالزی از ایران بالاتر است. به عبارت دیگر، در سال ۲۰۰۵ رتبه ایران ۹۸ و رتبه مالزی ۵۷ است (کشوری که نرخ بالاتری دارد، رتبه پایین‌تری به آن تعلق می‌گیرد، چراکه ترتیب رتبه‌ها از ۱ برای بیشترین نمره‌ها به بالاست).

۱۲. در مجموع، براساس نتایج جدول، از بین ۳۰ شاخص مورد بررسی، ایران در مورد ۶ شاخص زیر نسبت به مالزی وضعیت بهتری دارد، اما در مورد سایر ۲۴ شاخص، وضعیت مالزی به مراتب بهتر از ایران است:

- سرانه حضور سالیانه در سینما (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)؛

- سرانه فیلم‌های بلند تولیدشده (به ازای هر یک میلیون نفر)؛

- نسبت معلم به دانش‌آموز در مقطع راهنمایی (نفر)؛

- نرخ ثبت‌نام در مدارس راهنمایی (مرد)؛

- نرخ امید به ادامه تحصیل از ابتدایی به راهنمایی؛

- نرخ امید به ادامه تحصیل از ابتدایی به متوسطه.

جدول شماره (۱) وضعیت کلی این ۱۰ حوزه و ۳۰ شاخص در ایران و

مالزی را نشان می‌دهد:



اینترنت استفاده می‌کنند.

۳. در ایران، نسبت دسترسی به تلفن برابر با  $40/7$  درصد و در مالزی برابر با  $92/3$  درصد است. در مورد دسترسی به تلفن همراه، نسبت آن برای ایران  $41/81$  نفر و برای مالزی  $87/86$  نفر است.

۴. نسبت دسترسی به رادیو به ازای هر  $1000$  نفر در ایران  $245$  نفر و در مالزی  $455$  نفر است. سرانه دسترسی به تلویزیون در ایران  $68$  نفر و در مالزی  $451$  نفر به ازای هر  $1000$  نفر است. به عبارتی، این سرانه در مالزی حدود  $7$  برابر ایران است.

۵. در مورد شاخص سرانه حضور سالیانه در سینما، نسبت آن برای ایران  $382/252$  نفر و برای مالزی  $14/375$  نفر به ازای هر  $1000$  نفر است. به عبارتی، نسبت حضور سالیانه در سینما به ازای هر  $1000$  نفر، در ایران حدود  $27$  برابر مالزی است.

۶. سرانه فیلم‌های بلند تولیدشده در ایران  $9/269$  نفر و در مالزی  $0/918$  نفر به ازای هر یک میلیون نفر است. به بیانی روشن‌تر، سرانه فیلم‌های بلند تولیدشده در ایران حدود  $10$  برابر مالزی است.

۷. تعداد زبان‌های اصلی در ایران برابر با  $7$  زبان و در مالزی برابر با  $8$  زبان است. بنابراین، می‌توان گفت که این نسبت تقریباً در هر دو کشور برابر است و تفاوت چندانی بین آنها مشاهده نمی‌شود.

۸. در مورد شاخص تعداد گردشگر وارد شده به ازای هر  $1000$  نفر، شاهد برتری قاطع کشور مالزی هستیم، به طوری که این نسبت در ایران برابر با  $27/350$  نفر و در مالزی برابر با  $164/3310$  نفر است. همچنین، با مقایسه درآمدهای حاصل از گردشگری ایران و مالزی، ملاحظه می‌کنیم که دریافتی ایران از گردشگری برابر با  $4/500$  میلیون دلار آمریکا و رقم متناظر آن برای مالزی برابر با  $12/497$  میلیون دلار آمریکا است. علاوه بر این، سرانه دریافتی حاصل از گردشگری، نسبت بالاتری در مالزی دارد. این سرانه برای مالزی

در این جدول علامت مثبت (+) نشان‌دهنده برتری مقدار شاخص در ایران و علامت منفی (-) نشان‌دهنده برتری مقدار شاخص در مالزی است.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

تغییر روند توسعه جهانی از اقتصاد به فرهنگ، جایگاه والایی به نقش فرهنگ در فرایند توسعه بخشید. توسعه ممالک جهان که تا پیش از دهه ۱۹۸۰ به‌عنوان توسعه اقتصادی قلمداد می‌شد، پس از این دیگر جایگاهی نداشته و جای خود را به توسعه فرهنگی داده است. اهمیت توسعه فرهنگی چنان بود که یونسکو دهه پایانی سده ۲۰ میلادی، یعنی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸ را به‌عنوان «دهه جهانی توسعه فرهنگی» معرفی کرد و ۲۱ ماه مه میلادی نیز به‌عنوان روز جهانی توسعه فرهنگی اعلام شده است. از نظر یونسکو، توسعه فرهنگی به‌عنوان فرایند توسعه یا پیشرفت در زندگی فرهنگی جامعه با هدف ارتقای ارزش‌های فرهنگی و متناسب با وضعیت عمومی توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. توسعه فرهنگی شامل شاخص‌هایی مانند میراث فرهنگی، مطالب و ادبیات چاپ‌شده، موسیقی، هنرهای نمایشی مانند تئاتر و اپرا، هنرهای تجسمی، سینما و عکاسی، پخش (رادیو و تلویزیون)، فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی، ورزش‌ها و بازی‌ها و طبیعت و محیط زیست می‌باشد (یونسکو، ۱۳۷۷).

این تحول در مفهوم و معنای توسعه از اقتصاد به فرهنگ، کشورهای مختلف جهان را برانگیخت تا در جهت نیل به پیشرفت گسترده‌تر و عمیق‌تر در حوزه‌های متعدد، تغییراتی را در حوزه‌های مختلف فرهنگ اعمال کنند. نتیجه این تلاش‌ها نشان داد که برخی کشورها سریع‌تر و برخی کندتر از بقیه به پیشرفت و توسعه فرهنگی دست نمی‌یابند. از جمله کشورهایی که توانست بر پایه پیشرفت و توسعه فرهنگ، مسیر توسعه را به خوبی پشت‌سر بگذارد، کشور مالزی است. تجربه موفق این کشور در دو دهه ۸۰-۱۹۷۰،



مدیریت اقتصادی این کشور را بر آن داشت تا در دهه ۱۹۹۰ به طرح برنامه توسعه اقتصادی سی ساله‌ای همت گمارد تا در لوای آن تا سال ۲۰۲۰ مالزی تبدیل به کشوری کاملاً صنعتی و پیشرفته شود. صاحب‌نظران بر این باورند که فرهنگ مالزی نقش مؤثری در توسعه این کشور در دهه‌های اخیر داشته و توانسته نقش موتور محرکه توسعه این کشور را ایفا کند. در این قسمت، براساس نتایج بررسی و مقایسه وضعیت شاخص‌های توسعه فرهنگی ایران و مالزی که در بخش یافته‌ها اشاره شد، می‌توان نتیجه‌گیری‌های زیر را انجام داد:

۱. امروزه یکی از شاخص‌های مهم فرهنگی در هر جامعه‌ای که سهم مهمی در ارتقای دانش و آگاهی عمومی از وضعیت جهان و ایران دارد، مطبوعات و به‌طور مشخص روزنامه‌ها هستند. وظیفه مطبوعات این است که ساختار سیاسی و فرهنگی باثبات و پایداری را بنا کنند که در آن ساختار، محیط اجتماعی همگون و شایسته‌ای پدید آید و آن نیز به گسترش دیگر بخش‌های توسعه ملی سرعت دهد. مطبوعات، با کاهش مشکلات، تغییر در روش‌ها و رفتارها و ارتباطات و همچنین با گذشتن از مرز فرهنگی‌های مختلف، می‌تواند منافع فردی توده‌های مردم را به هدف ملی واحدی مبدل کنند (حسینی، ۱۳۸۵). بنا به اهمیت بررسی وضعیت استفاده از روزنامه‌ها، در این تحقیق، شاخص نرخ گردش روزنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که نرخ گردش روزنامه در مالزی وضعیت بهتری نسبت به ایران دارد.

۲. در جامعه اطلاعاتی امروز، نرخ نفوذ رایانه و اینترنت در بین جمعیت هر کشوری، شاخص مهمی دال بر وضعیت فرهنگی آن جامعه است. استفاده از رایانه و اینترنت نیز همانند استفاده از روزنامه‌ها سهم مهمی در ارتقای آگاهی عمومی از طریق کسب اطلاعات مورد نظر دارد. البته این موضوع در مورد اینترنت، بیش از رایانه صدق می‌کند. روزانه بر شمار

استفاده‌کنندگان اینترنت افزوده می‌شود. حتی می‌توان گفت جامعه‌ای که بتواند اطلاعات را از طریق اینترنت از منابع مختلف دریافت کند، با موفقیت بیشتری قرین خواهد بود تا جامعه‌ای که جمعیت آن دسترسی کمتری به اینترنت دارد. در تحقیق حاضر، نتایج نشان داد که نه تنها رایانه، بلکه اینترنت نیز شیوع چندانی بین جمعیت ایران ندارد، در حالی که در کشور مالزی، این نسبت بیشتر است. در مورد سرانه رایانه، به ازای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت ایران، ۱۰۸ نفر رایانه دارند و از جمعیت مالزی، این نسبت برابر با ۲۰۴۶ نفر است. همچنین، هزینه کامپیوتر در ایران به اندازه ۰/۱۴۲ درصد از هر ۱۰ میلیون تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، در حالی که این نسبت در مالزی برابر با ۰/۲۱۴ درصد است. در مورد نرخ نفوذ اینترنت در بین جمعیت دو کشور نیز وضعیت بهتر مالزی مشهود است، به طوری که در ایران، تنها یک چهارم (۲۵/۳ درصد) جمعیت به اینترنت دسترسی دارند و در کشور مالزی، بیش از نیمی از جمعیت (۵۹ درصد) از اینترنت استفاده می‌کنند.

۳. امروزه از وسایل ارتباطی مهم در جهان، تلفن و به‌خصوص تلفن همراه است که شکل جدیدی از ارتباطات را بین جمعیت برقرار کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که ۲۹/۰۰۰/۰۰۰ نفر از جمعیت ایران و ۲۴/۵۲۵/۸۶۳ نفر از جمعیت ایران به تلفن دسترسی دارند. همچنین، با مقایسه نسبت جمعیت هر کشور، ملاحظه می‌شود که نسبت دسترسی به تلفن در مالزی متجاوز از دو برابر ایران است. در ایران، نسبت دسترسی به تلفن، برابر با ۴۰/۷ درصد و در مالزی برابر با ۹۲/۳ درصد است. در خصوص دسترسی به تلفن، همراه نیز، شاهد برتری کشور مالزی نسبت به ایران هستیم. نسبت دسترسی به تلفن همراه در مالزی بیش از دو برابر ایران است؛ یعنی نسبت آن برای ایران ۴۱/۸۱ نفر و برای مالزی ۸۷/۸۶ نفر است.

۴. در خصوص شاخص گیرنده‌های رادیو و تلویزیون به‌عنوان یکی



دیگر از شاخص‌های توسعه فرهنگی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان از آن دارد که کشور ایران در مقایسه با مالزی وضعیت مطلوبی ندارد. در مورد دسترسی به رادیو، نسبت دسترسی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر در ایران ۲۴۵ نفر و در مالزی ۴۵۵ نفر است. در مورد شاخص دسترسی به تلویزیون نیز، کشور مالزی وضعیت بهتری نسبت به ایران دارد. سرانه دسترسی به تلویزیون در ایران ۶۸ نفر و در مالزی ۴۵۱ نفر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر است. به عبارتی، این سرانه در مالزی حدود ۷ برابر ایران است.

۵. بررسی شاخص‌های توسعه فرهنگی در حوزه سینما و فیلم نشان داد که در مورد دو شاخص مربوط به این حوزه، کشور ایران وضعیت بهتری نسبت به مالزی دارد. نسبت حضور سالیانه در سینما به ازای هر ۱۰۰۰ نفر، در ایران حدود ۲۷ برابر مالزی است. در مورد شاخص سرانه فیلم‌های بلند تولید شده نیز، وضعیت ایران نسبت به مالزی بهتر است. این نسبت برای ایران ۹/۲۶۹ نفر و برای مالزی ۰/۹۱۸ نفر به ازای هر یک میلیون نفر است. به بیانی روشن‌تر، سرانه فیلم‌های بلند تولیدشده در ایران حدود ۱۰ برابر مالزی است. در واقع، نتایج نشان می‌دهد که حوزه سینما و فیلم، یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که برجستگی شاخص‌های توسعه فرهنگی ایران نسبت به مالزی در آن بارز است.

۶. بررسی و مقایسه شاخص‌های مربوط به گردشگری تصویر خوبی از ایران در قیاس با مالزی به نمایش نمی‌گذارند، به طوری که در اکثر این شاخص‌ها، ایران در مرتبه پایین‌تر از مالزی قرار دارد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۵، تعداد گردشگر وارد شده به ایران ۲/۷۳۵/۰۰۰ نفر بود، در حالی که در مالزی، این تعداد به ۱۶/۴۳۳۱/۰۰۰ نفر می‌رسد. در واقع، نسبت گردشگر واردشده به مالزی حدود ۸ برابر ایران است. همچنین، سرانه دریافتی حاصل از گردشگری برای مالزی ۱۲/۴ هزار دلار و در ایران تنها ۴/۵ هزار دلار به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت است.

نتایج بالا نشان می‌دهد که علی‌رغم پتانسیل بالای ایران برای توسعه گردشگری در کشور، همچنان این پتانسیل به فعلیت نرسیده است. این در حالی است که در کشور مالزی، از دهه پیش تا کنون گسترش زمینه‌های مختلف گردشگری مانند گردشگری میراث در قالب گردشگری فرهنگی جایگاه مهمی یافته است. به‌عنوان نمونه، نتیجه مطالعه محمد (۲۰۰۵) در زمینه سیاست گردشگری فرهنگی در مالزی نشان داد که گردشگری برای مالزی بخش بسیار مهمی است که درآمد ارزی، مشاغل و کسب‌وکار زیادی به همراه دارد. محمد در این تحقیق پی برد که هم‌زمان با رشد گردشگری میراث، سایر انواع گردشگری مانند گردشگری فرهنگی نیز در این کشور توسعه یافته است. این محقق در ادامه اشاره می‌کند که هنوز هم پتانسیل واقعی فرهنگ و میراث به‌عنوان منابع گردشگری به‌طور کامل تحقق نیافته و گردشگری فرهنگی در مالزی همچنان مراحل آغازین خود را طی می‌کند.

۷. شاخص آموزش و پرورش از جمله شاخص‌هایی است که کشور ایران و مالزی در آن وضعیت تقریباً مشابهی با هم دارند. به عبارت دیگر، نسبت برخی شاخص‌ها در ایران بهتر از مالزی است و در برخی شاخص‌های دیگر، پایین‌تر از مالزی است. به‌عنوان مثال، در مورد شاخص نسبت معلم به دانش‌آموز در مقطع راهنمایی، این نسبت در ایران (۱۹ نفر) بالاتر از مالزی (۱۷ نفر) است. اما از نظر نرخ ثبت‌نام در مدارس راهنمایی، وضعیت مالزی نسبتاً بهتر از ایران است. نرخ ثبت‌نام در مقطع راهنمایی در ایران برابر با ۸۱ درصد و در مالزی برابر با ۸۳ درصد است. افزون بر این، از نظر هزینه عمومی در زمینه آموزش و پرورش، کشور مالزی وضعیت بهتری نسبت به ایران دارد. براساس نتایج به دست آمده، ۴/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران به امر آموزش و پرورش اختصاص دارد، درحالی که این نسبت برای مالزی برابر با ۶/۲ درصد است.

نتایج بالا نشان از ضعف پوشش سیستم آموزشی ایران دارد. این در



حالی است که براساس نتایج مطالعات خارجی در کشور مالزی، سیستم آموزشی این کشور حتی در روستاهای آن اقدامات اساسی را انجام داده و از این طریق زمینه ترغیب جمعیت روستایی به سوادآموزی را فراهم کرده است. نتیجه مطالعات خارجی نیز نشان از اهمیت و افزایش نرخ باسوادی در بین جمعیت مالزی و حتی جمعیت روستایی آن دارد. به عنوان مثال، زمان (۲۰۰۰) در مطالعه خود درخصوص نرخ باسوادی در میان خانواده‌های مالزیایی در سه روستای بخش یان<sup>۱</sup> دریافت که کودکان روستایی انگیزه بالایی برای خواندن دارند و رفتار این کودکان نسبت به سواد، بعد از شرکت در این برنامه‌ها بیشتر شده است.

۸. از نظر شاخص سرمایه انسانی نیز کشور مالزی وضعیت بهتری نسبت به ایران دارد، به طوری که از نظر شاخص‌هایی مانند نرخ باسوادی بزرگسالان (کل، مردان و زنان) و نرخ برابری آموزشی، نسبت آنها در مالزی بیشتر از ایران است. نرخ باسوادی بزرگسالان در ایران ۸۴ درصد و در مالزی ۹۲ درصد است. در بین زنان و مردان نیز برتری نرخ باسوادی بزرگسالان هم مردان و هم زنان مالزی از ایران مشهود است. در واقع، بررسی جنسیتی نرخ باسوادی بزرگسالان نیز نشان از آن دارد که هم در ایران و هم در مالزی، نسبت باسوادی بزرگسالان مرد بیشتر از زن است.

۹. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه فرهنگی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، شاخص فرصت فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بود که نسبت آن بین ایران و مالزی مورد مقایسه قرار گرفت. امروزه شاخص فرصت ICT، یکی از شاخص‌های مهم در زمینه فرهنگ است که برتری نسبت آن در بین کشورها، نشانه پتانسیل و زمینه هرچه بهتر آن کشورها برای بهره‌برداری بیشتر از منابع داخلی و در نهایت، توسعه است.

شاخص فرصت ICT یک شاخص ترکیبی از ۱۰ شاخص فرعی در ۴ گروه اصلی شبکه‌ها، مهارت‌ها، بهره‌برداری و شدت است که توسط اتحادیه بین‌المللی ارتباطات از راه دور در نوامبر سال ۲۰۰۵ برای ۱۸۳ کشور توسعه یافت. نتایج بررسی و مقایسه این شاخص در بین ایران و مالزی نشان داد که ایران در مورد هر ۴ شاخص، وضعیت نامساعدی نسبت به مالزی دارد. ترکیب تمامی این ۴ شاخص، شاخص فرصت ICT را می‌سازد که به لحاظ رتبه جهانی، رتبه مالزی (۵۷) بسیار بالاتر از ایران (۹۸) است.

البته نباید نتیجه مطالعات خارجی در زمینه وضعیت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در کشور مالزی را از نظر دور داشت. نتیجه‌ای که سسیلیا (۲۰۰۴) در مطالعه خود رسید، نشان از روند کند رشد فناوری‌های اینترنتی در انجام فعالیت‌های بخش خدمات دارد.

۱۰. نتایج این تحقیق نشان داد که در اکثر شاخص‌های توسعه فرهنگی، کشور مالزی برتری چشمگیری نسبت به ایران دارد. البته یکی از دلایل احتمالی نرخ پایین شاخص‌های توسعه فرهنگی ایران در مقایسه با مالزی را باید، ضعف عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با حوزه فرهنگ دانست. نتیجه‌ای که شیخ سفلی (۱۳۸۷) در تحقیق خود پیرامون نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در توسعه فرهنگی دریافت، نشان می‌دهد که در ایران نهادهای فرهنگی نقش مؤثری در امر توسعه فرهنگی ندارند و ضعف مدیریت این نهادها به نوبه خود مانع از پیشبرد فرهنگ و در نهایت توسعه فرهنگی شده است. به تعبیر سریع‌القلم (۱۳۸۷)، تحقق توسعه فرهنگی پیش از هر چیز نیازمند وجود فرهنگ سیاسی است. همچنین، اگر نگاه دقیق‌تری به وضعیت شاخص‌های توسعه فرهنگی در ایران شود، ملاحظه می‌شود که در داخل کشور ایران پراکنش و واریانس بسیار زیادی بین استان‌های کشور از نظر میزان توسعه فرهنگی وجود دارد. تحقیقی که زیاری در سال ۱۳۷۹ در خصوص میزان توسعه فرهنگی استان‌های مختلف کشور انجام داد، دلالت



بر ناهمگونی توسعه فرهنگی بین استان‌های کشور دارد. براساس نتایج این مطالعه، استان تهران در میان استان‌های کشور، به دلیل توسعه‌یافتگی فرهنگی، نسبت به سایر استان‌ها ناهمگن است. بنابراین، طبیعی است که جهت رفع این نابرابری‌ها، تخصیص بهینه منابع فرهنگی از پایین‌ترین استان‌ها در نظام سلسله‌مراتبی توسعه و سپس ارائه فرصت‌های برابر منابع می‌تواند بسیاری از این نابرابری‌ها را تخفیف دهد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: مؤسسه نشر کلمه، ۱۳۷۷.
۲. اسماعیلی، رضا، بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۵.
۳. حسینی، نقش مطبوعات در توسعه فرهنگی ایران از دیدگاه دانشجویان رشته ارتباطات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۵.
۴. رجب‌زاده، احمد، رفتارهای فرهنگی ایرانیان: یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در ایران، دفتر طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
۵. شیخ سفلی، بررسی دیدگاه مدیران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در مورد عملکرد سازمان در خصوص توسعه فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۷.
۶. یونسکو، اصطلاحنامه بین‌المللی توسعه فرهنگی، ترجمه عباس حری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
۷. یونسکو، فرهنگ و توسعه، ترجمه عبدالحمید زرین قلم، تهران: کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۷۴.

### ب) منابع لاتین

1. Schalkwyk, Johanna, Culture, Gender Equality and Development Cooperation,



Canadian International Development Agency (Cida) , Canada, June, 2000,  
<http://www.acdi-cida.gc.ca>.

2. [www.internetworldstats.com/asia/my.htm](http://www.internetworldstats.com/asia/my.htm).

3. [www.internetworldstats.com/me/ir.htm](http://www.internetworldstats.com/me/ir.htm).